کلام در این بود که آیا ترکیب بین صلاه و غصب ترکیب اتحادی است یا انضمامی است ؟

در مسئله دو قول وجود دارد.

**قول اول:** مرحوم نائینی فرمودند ترکیب بین صلاه و غصب انضمامی است.

**قول دوم:** مختار ما این است که ترکیب آنها اتحادی است.

**برای اثبات این مدعا باید دید ترکیب اتحادی چیست؟**

ترکیب اتحادی ، ترکیب بین لا مُتحصِّل و متحصِّل است مثل جنس و فصل ، ماده و صورت.

**توضیح:** مادّه هیولا است و هیولا لا متحصِّل است و صوره به هیولا تحصُّل می­بخشد برای اینکه ماده و هیولا قوّه اند، مثل ماده انسان شدن اما صورت جنبه فعلیَّت دارد، صورت انسان نطفه را به فعلیَّت می­رساند ولی در نطفه قبل از تحصُّل به صورت قوه انسان شدن وجود دارد. اینجا است که مسئله جنس و فصل مطرح می­شود. فصل (مثل ناطق) محصِّل جنس است. مولی صدرا به همین خاطر ترکیب بین ماده و صورت و جنس و فصل را ترکیب اتحادی می­داند . چون ترکیب بین لا متحصِّل و متحصِّل ترکیب اتحادی است.

با این بیان ثابت شد که صلاه لا متحصِّل است مکان متحصِّل است چه غصبی باشد و چه غیر غصبی پس بین صلاه و مکان غصبی وحدت حاصل می­شود . این جا است که به مرحوم نائینی می­گوییم:

**اولاً** اتحاد به معنی حمل در علم منطق در ظرف مفاهیم و ذهن است. یعنی حمل ها ذهنی هستند و در خارج حمل نداریم: الانسان ناطق حمل ذهنی است . اما در خارج عینیَّت است . ناطق عین انسان و انسان عین ناطق است . آنچه لازم است درصلاه و غصب گفته شود اتحاد بین صلاه و غصب خارجی است نه ذهنی لذا مسئله لا متحصِّل و متحصِّل در این جا مطرح می­شود

**ثانیاً** شما فرمودید صلاه از یک مقوله است و غصب از مقوله دیگری است و بین دو مقوله تباین است و قابل ترکیب اتحادی نیستند .

این سخن شما درست نیست چون نماز از چندین مقوله تشکیل می­شود نه از یک مقوله . مثلا نیَّت از أمور نفسانی است لذا از مقوله کیف نفسانی است ، تکبیر و قرائت و اذکار واجبه آن است که از دهن خارج می­شود لذا از مقوله کیف مسموع هستند ، قیام و سجود و رکوع و جلوس از مقوله وضع هستند چون از قبیل هیأت حاصله از نسبت بعضی اجزاء بدن به بعض دیگر می­باشند و حقیقت وضع هم هیأتی است که از یک چیز بوجود می­آید مثل هیأت نشستن ،‌هیأت ایستادن و ...

هُویّ ( سرازیر شدن) و نُهوض( بلند شدن) این دو از مقوله حرکت هستند و لذا بحث است که آیا از اجزاء نماز هستند یا خیر؟ که در فقه دو نظریه است

اگر هُوی داخل در همان رکوع و سجود باشد از مقوله وضع است و لکن اگر خارج از رکوع و سجود باشد از مقوله حرکت است.

**سوال:** کدام یک از این موارد با غصب متحّد می­شود؟

**جواب:** اما صدق غصب بر نیَّت هرگز صحیح نیست. چون غصب تصرُّف در مال غیر است و نیَّت تصرُّف نیست .

اما تکبیر و قرائت و اذکار از نظر عقلی تصرُّف هستند چون تکلُّم در فضای غصبی است لذا عقل می­گوید در وقت تکلُّم از هوای این فضا استفاده کرده ای در نتیجه تصرُّف حاصل است اما از نظر عرفی صدق تصرُّف مشکوک است . چون حقیقت غصب استیلاء بر مال مردم است عدوانا و حال آنکه ما نمی­دانیم تکلُّم استیلاء است یا خیر؟ لذا شبهه موضوعیه است تمسک به دلیل **لا یحل لأحد أن یتصرف فی مال غیره إلا بإذنه** تمسک به شبهه موضوعیه در دلیل است که جایز نیست لذا برائت جاری می­کنند.

اما رکوع و سجود هیأت وضعیّه دارند آیا این هیأت غصب است یا خیر؟ یعنی فرود آمدن و خم شدن رفع رأس از سجود تصرُّف است یا خیر؟ آن اندازه اش که عُرف می­فهمد این است که اینگونه هیأت ها نیازمند به اعتماد است یعنی نیازمند به تکیه گاه است از این اعتماد و تکیه گاه ذهن ما مفهوم تصرُّف را انتزاع می­کند پس این هیأت حاصل به عنوان اینکه تصرُّف در مال غیر است غصب محسوب می­شود.

 شاهد اینکه اگر نماز میَّت در مکان غصبی خوانده شود علماء می­گویند این نماز باطل نیست چون نماز میَّت تکبیرات است و اقوال و اعتماد بر چیزی لازم نیست و تکیه گاه نمی­خواهد .

بنابراین بین صلاه و غصب ترکیب اتحادی است چون هیأت حاصله صلاه همان تصرُّف در غصب است و لذا خود مرحوم نائینی در فقهشان نماز در مکان غصبی را باطل می­داند چون ترکیب را اتحادی می­داند.

عبارت ایشان این است: فاعلم أنَّ بطلان الصلاه فی المکان المغصوب إنما هو من جهه کون المسئله من صغریات باب اجتماع امر و النهی ( یعنی ترکیب اتحادی نیست )